



عکس از نعیم احمدی / ایران ورزشی ■ Nimi. Ahmadi

پاییز امیر

امیر قلعه‌نویی پس از یک فصل پرفراز و نشیب و ناکامی در تمامی عرصه‌ها و محافظی تلخ و بیش از موعدی با سپاهان داشته است. امیر چرا و چگونه به اینجا رسید؟ قلعه‌نویی چرا در سپاهان رستگار نشد؟ پرونده امروز به این پرسش پاسخ می‌دهد.

بازگشت او، جذاب‌ترین اتفاق در بازار مربیگری

گزاره سراسر غلط: پایان قلعه‌نویی

فرشاد کاس نژاد ■ Farshadcasnejad@



قلعه‌نویی؛ گمشده در دل تاریخ

یک ژنرال بی‌مدال!

گزارش
سام ستارزاده ■



خوب و بدش در وسط زمین روشن می‌شود، حکایت مربیگری‌اش را در فوتبال می‌سازد و شاید به همین دلیل در مقابل تندترین انتقادات کم نمی‌آورد چون می‌داند که سرانجام بازی را وسط زمین او می‌برد.

امیر قلعه‌نویی به مرد کهنه‌کار فوتبال تبدیل شده، عمری را در مربیگری گذرانده و آن سال‌ها که یک مربی جوان شناخته می‌شد دیگر گذشته و فقط خاطره‌هایی از آن سال‌ها به یاد مانده اما فراموش نکنیم که همین چند ماه پیش تنها گزینه ایرانی برای تیم ملی و خود برای به مقصد رساندن پروژه‌اش با سپاهان، پیشنهاد فدراسیون فوتبال را رد کرد.

۳- ما اجازه نداریم با سلاخی خود انکارش کنیم. شاید در سال‌های دور طیفی در فوتبال ایران قلعه‌نویی را نپسندیده باشند، به رفتارش و به سیاق مربیگری‌اش و به طریق دستیابی‌اش به موفقیت‌ها انتقاد کرده‌اند اما گذر زمان نشان داده که قلعه‌نویی مرد کارهای سخت بوده و ساختن آن تیم‌های موفق و پروژه‌های موفق مربیگری در تهران و اصفهان شاید در میان نسل تازه‌مربیان به آسانی تکرار نشود. هنوز زمان لازم است تا در میان مربیان ایرانی قلعه‌نویی دیگری تکرار شود و بتواند موفقیت‌ها را در یک دوران طولانی به نام خود سند بزند. این شوخی نیست که در یک دوران حرفه‌ای بی‌تکرار باشید.

مرور حکایت قلعه‌نویی در مربیگری نشان می‌دهد که او دورانی سخت را گذرانده، دورانی طولانی با انتقاداتی که شدت داشتند و می‌توانستند هر مربی را از تک و تا ببیندازند، اما مقابله قلعه‌نویی در فضایی پر از انتقاد نیز جذاب و از ماجراهای پرمخاطره یک مربی حرفه‌ای است. وقتی از امیر قلعه‌نویی حرف می‌زنیم از کدام قلعه‌نویی حرف می‌زنیم، کدام وجه او را می‌بینیم، کدام دورانش را، کدام موفقیت‌ها و کدام ناکامی‌ها، کدام کج رفتاری‌ها و کدام مدارا، دوران جوانی یا دوران نقد جوانی؟ وقتی از قلعه‌نویی حرف می‌زنیم، از تمام این دوران حرف می‌زنیم، از یک چهره که در طی دوران تغییر کرده، خود را ساخته، آموخته شده، موبی سپید کرده، مثل یک مربی واقعی، همیشه برای پیروز شدن، همیشه برای جنگیدن و بردن، مردی که پایان نداشته باشد، کوتاه نیاید. پایان او یک گزاره غلط است و دیدن دوباره او در تقابل برای موفقیت از جذابیت‌های آینده در لیگ خواهد بود.

پایان امیر قلعه‌نویی یکی از غلط‌ترین گزاره‌ها درباره او است. مربی پس از سخت‌ترین شکست‌ها تمام نمی‌شود، بلکه همیشه فرصت هست و فوتبال بازی ناتمام است و اگر پایان داشت و متوقف می‌شد، چنین شگفت‌انگیز نبود. شروع دوباره و حکایت‌هایی که قلعه‌نویی بعد از این می‌سازد، می‌تواند از جذاب‌ترین ماجراهای فوتبال ایران باشد. بیایید نکته‌ها و موضوعاتی را که درباره او در ذهن داریم، مرور کنیم:

۱- امیر قلعه‌نویی شکست‌های بزرگ را در مربیگری تجربه کرده. شکست‌هایی که مربیان دیگری را تا سال‌ها از چرخه مربیان درجه اول دور کرده اما امیر قلعه‌نویی یک توانایی منحصر به خودش در فوتبال ایران دارد، افتان و خیزان دوباره به امیر قلعه‌نویی تبدیل می‌شود و بین شکست و موفقیت فاصله‌ها را کوتاه می‌کند. شاید از او بریاید که دوباره چنین کند.

قلعه‌نویی در استقلال به سیاه‌ترین روزها رسید، روزهای تیره و تاریک دیگر انگار پایان یک مربی باشد اما او نشان داد که خیلی زود می‌تواند همه چیز را به نفع خودش تغییر دهد و تندترین منتقدانش را به این باور برساند که من، امیر قلعه‌نویی، یک مربی هستم. سخت می‌بازم اما برمی‌گردم، به بدترین روزها می‌رسم اما دوباره بهترین روزها را می‌سازم. قلعه‌نویی در دوره کاری جدیدش با سپاهان پیش از بار آخر نیز به روزهایی رسید که نتوانست به توقعات پاسخ دهد و تصور می‌شد که چیزی به جدایی‌اش از سپاهان باقی نمانده است، اما او نتوانست به باشگاه بفهماند که تکرار موفقیت‌های پیشین سپاهان با قلعه‌نویی ممکن است و به زمان نیاز دارد. قلعه‌نویی نتوانست اعتبار کافی را برای دریافت این فرصت‌های حرفه‌ای برای خود بسازد و این کار هر کسی نیست. مربیان دیگری در موقعیت‌های ناخوش قلعه‌نویی، نمی‌توانند اعتماد باشگاه را جلب کنند. امیر قلعه‌نویی اما حتی از موضع بالا این اعتماد را جلب کرد و البته بار آخر دیگر نمی‌توانست این اعتبار را باز تولید کند.

۲- آنها که دوست دارند پایان قلعه‌نویی را اعلام کنند، به موضع‌گیری‌های مرسوم مجازی مشغول‌اند. امیر قلعه‌نویی جایگاهش را در مربیگری مدیون موضع‌گیری‌های مجازی یا اطوارهای خارج از فوتبال نیست. او وسط زمین فوتبال ستاره است.

۲- امیر قلعه‌نویی به پایان خط رسید. البته نه روزی که جام حذفی را با سپاهان پرستاره به استقلال واگذار کرد؛ بلکه مدت‌ها پیش.

در همین ورزشگاه آزادی، روزی که استقلال بازی داشت؛ ولی سکوهای ورزشگاه آبی نبودند. روزی که سرمربی استقلال بود؛ ولی هواداران آبی هم طرفدار تیم وی نبودند؛ روزی که استقلال با ۴ گل برابر تراکتور گلباران شد، لحظه‌ای که آندرانیک تیموریان در اوج خشم و سرور، با آن شادی جنجالی پس از گل، مدال‌های قلعه‌نویی را از سینه کند.

۵ سالگی که بر ژنرال لیگ ایران گذشت، تنها به ما اثبات کرد که دیگر بهتر است وی را تنها با تاریخ بشناسیم؛ با استقلال‌ها و سپاهان‌های ویرانگری که در دهه گذشته ساخت و با آن‌ها طی ۶ سال، ۴ بار لیگ برتر و یک بار هم جام حذفی را فتح کرد. آن دو فصلی هم که افتخار هدایت تیم قهرمان به دیگران رسید، امیر خان سرمربی تیم ملی بود. ما به شنیدن همین داستان‌های حماسی راضی‌تریم؛ چون دوست داریم او همچنان برای ما «امیر خان» بماند. چرا که فردی که در ۵ سال اخیر روی نیمکت تراکتور و سپاهان متمول و ذوب آهن نشسته، نشانی از آن ژنرال بی‌رقیب ندارد.

قلعه‌نویی به ته خط رسیده؛ نه به خاطر جام نیاوردن در ۷ سال گذشته، بلکه به این دلیل که هیچ آورده فنی جدیدی برای ارائه نداشته. پس از ترک استقلال در لیگ چهاردهم، نداشتن هافبک خلاق در قواره مجتبی جباری را از عوامل ناکامی‌اش می‌دانست؛ ولی در تراکتور با بختیار رحمانی

و سرور رفیعی و در سپاهان با ولادیمیر کومان، رسول نویدکیا و محسن مسلمان چیزی جز حرکت از جناحین، بازی نتیجه‌گرا و سانت‌های پر شمار به نمایش گذاشت. با میدان دادن به جوان‌هایی نظیر محمد محبی و سید محمد کریمی که موجب چهره‌شدن آنها در نقش جهان شد، فکر می‌کردیم جسارتی که قلعه‌نویی در جوانگرایی به خرج داده را در بازی تیمش نیز می‌توانیم از وی انتظار داشته باشیم؛ ولی استقلال که وی ساخته بود و آمار گلزنی‌اش با بارسلونا مقایسه می‌شد، در دل تاریخ نهفته بود. نمایش‌های درخشان وی نظیر برد چهارگله مقابل العین، انگشت‌شمار بودند. ما با ژنرال دیگری مواجه بودیم؛ ژنرالی که کارت‌هایش فرسوده شده بودند، اما علاقه‌ای به عوض کردن آنها نداشت؛ یک ژنرال بی‌مدال!

طبیعت فوتبال به همین اندازه بی‌رحم است: محو تدریجی قلعه‌نویی ۵۶ ساله و ظهور چهره‌های جوان‌تری نظیر علیرضا منصوریان، یحیی گل محمدی، جواد نکونام و فرهاد مجیدی که ایده‌های متفاوت و جذاب‌تری در سردارند. اگر فوتبال به سابقه و افتخارات رحم می‌کرد، فیروز کریمی و فرهاد کاظمی هنوز باید به جای این سرمربیان نوظهور روی نیمکت‌های مدعیان لیگ جولان می‌دادند؛ اما ذات فوتبال بدسگال‌تر است. حال، امیر قلعه‌نویی برای اینکه همان امیر خان سابق شود، راهی جز از صفر شروع کردن ندارد؛ جز بررسی، تحلیل و به‌روزرسانی ایده‌های فنی‌اش، کاری که در این ۵ سال از آن فرار کرد و نتیجه تلخش را هم دید.